



The Role of Iran's Islamic Revolution in the Global Awakening before the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH)

Dr. Razieh Ali akbari ¹

Mohaddeseh Zarein ²

Abstract

The concept of "awaiting" in Shi'a Mahdism is tied to efforts to lay the groundwork for the advent of Imam Mahdi (PBUH) by promoting the culture of resistance against oppression, arrogance, and tyranny. The history of political and social developments after the Islamic Revolution in Iran clearly testifies the revolution's Role in promoting culture of resistance among nations of the region and the world. Accordingly, the present study employs an analytical-descriptive approach to examine the role of the Islamic Revolution in global awakening and the contextualization for the advent of Imam Mahdi across various dimensions. The conducted research indicates the fact that the Islamic Revolution of Iran has created a huge transformation in political structures (linking religion and politics), cultural (promoting of hijab), social (Islamic unity), and economic (justice - seeking), that has had tremendous influences at both regional and international levels. Such that can be said that this revolution has institutionalized the foundations for a global movement of the oppressed against the oppressors in the public opinion of nations. as it in defense of the Palestinian cause taught everyone that the realization of justice on a global scale can only be achieved through the mobility and dynamism of humans to break free from the clause of oppressors.

Keywords: Imam Mahdi (PBUH), Islamic Revolution, Global Awakening, Mahdism, Advent, Uprising, Issuance of the Revolution

1. Faculty member, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran P.O. Box 889-14665(Corresponding Author)(aliakbari@cfu.ac.ir)
2. level 2 student, Jami'at al-Zahra Seminary, Qom, Iran(m.zarein313@gmail.com)

نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهانی پیش از ظهور

راضیه علی اکبری^۱

محدثه زارعین^۲

چکیده

مفهوم انتظار در مهدویت شیعی، ملازم با تلاش در راستای زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام با ترویج فرهنگ ایستادگی در برابر ظلم و استکبار و استبداد است. تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران، به وضوح تأثیرگذاری این انقلاب را در ترویج فرهنگ ایستادگی در میان ملت های منطقه و جهان، گواهی می دهد؛ از این رو در پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی، نقش انقلاب اسلامی در بیداری جهانی و زمینه سازی ظهور در ابعاد مختلف بررسی شده و مطالعات انجام شده، حاکی از این حقیقت است که انقلاب اسلامی ایران، یک دگرگونی عظیم در ساختارهای سیاسی (پیوند دین و سیاست)، فرهنگی (ترویج حجاب)، اجتماعی (وحدت اسلامی) و اقتصادی (عدالت طلبی) به وجود آورده که تأثیرات شگرفی را در سطح منطقه ای و بین المللی به دنبال داشته است؛ به گونه ای که می توان گفت این انقلاب، پایه های نهضت جهانی مستضعفان علیه مستکبران را در افکار عمومی ملت ها بنیان نهاده است؛ چنانچه در دفاع از آرمان فلسطین، به همگان آموخت که آرمان تحقق عدالت در مقیاس جهانی، تنها در سایه تحرک و پویایی انسان ها برای رهایی از بند ظالمان حاصل می شود.

واژگان کلیدی

امام زمان علیه السلام، انقلاب اسلامی، بیداری جهانی، مهدویت، ظهور، قیام، صدور انقلاب.

مقدمه

انتظار در اندیشه مهدویت شیعی، مستلزم ایجاد زمینه ظهور و انجام دادن اصلاحات سیاسی - اجتماعی و آماده سازی جامعه برای پذیرش انقلاب جهانی امام منتظر است. در ذات

۱. عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ (نویسنده مسئول) (aliakbari@cfu.ac.ir).

۲. طلبه سطح دو جامعه الزهرا علیه السلام قم، ایران (m.zarein313@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

مفهوم انتظار (به معنای شیعی آن)، تعهداتی نهفته است که پیروان را به پابندی و تلاش در راه پیاده کردن آن مقید می‌سازد؛ به عبارت دیگر، گفتمان مهدویت شیعی، مأموریت‌های خاصی برای پیروان خود مشخص می‌کند که تلاش برای تحقق آن‌ها، بخش مهمی از وظایف منتظران را تشکیل می‌دهد. مقاله حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد.

اهمیت و ضرورت

ضرورت بررسی موضوع این مقاله، بدان جهت است که انقلاب اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین نهضت مردمی عدالت‌محور و ظلم‌ستیز در قرن اخیر، به جوامع بشری نشان داد که مردم جهان می‌توانند با بهره‌گیری از کارکردهای مثبت انتظار، زمینه برقراری عدالت جهانی و رهایی از ظلم و فساد را با زمینه‌سازی ظهور منجی عالم بشریت فراهم سازند.

پیشینه تحقیق

درباره نقش انقلاب اسلامی در بیداری جهانی، آثار متعددی نوشته شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی تأثیرگذاری و نمونه‌ها»، از مرتضی شیرودی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، اثر جواد جمالی و ابراهیم شفیعی‌پور (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی ایران، صدور افکار انقلابی و بیداری اسلامی جهانی»، کاری از عزیزه زنگانه (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه»، نوشته مسعود اخوان کاظمی و امید شکرانه ارزنقی (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی»، به قلم مهناز اکبری (۱۳۹۲)، «بررسی نقش الگویی انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، تألیف محمدمهدی صابری (۱۳۹۷)، «نقش اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، از عارف بیژن (۱۳۹۵).

جنبه نوآوری بحث

پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته، غالباً به بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی پرداخته‌اند و برخی از پژوهش‌ها نیز نقش ایرانیان در ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام و نگرش‌های مربوط به آن را بررسی نموده‌اند، اما پژوهش حاضر با تأکید بر پیوند بیداری جهانی با زمینه‌سازی ظهور، نقش تعیین‌کننده انقلاب اسلامی را در تحقق این بیداری در سطح بین‌المللی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

اهداف تحقیق

- بررسی زمینه‌های پیوند انقلاب اسلامی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- شناسایی ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهانی
- تبیین مفهوم صدور انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی

روش تحقیق

روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد.

سؤال اصلی

نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهانی پیش از ظهور چیست؟

سؤالات فرعی

- چه پیوندهایی بین انقلاب اسلامی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام برقرار است؟
- ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در بیداری مردم منطقه و جهان چیست؟

مفاهیم کلیدی

۱. انقلاب

«انقلاب از ریشه قلب در باب انفعال بوده و به معنای حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تغییر، تحول و تبدل است.» (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۴۳۰) انقلاب در معنای اصطلاحی، دگرگونی بنیادی نسبت به آن چیزی است که پیش از انقلاب استوار بوده است؛ در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی. این دگرگونی‌ها همیشه با سرنگونی نظام سیاسی حاکم پیش می‌آید و اغلب با کارهای خشونت‌آمیز و خونریزی همراه است.

استاد شهید مرتضی مطهری، انقلاب را «عصیان و طغیان مردم یک ناحیه یا سرزمین بر ضد نظم حاکم، برای ایجاد نظم مطلوب دانسته‌اند که با حس پرخاشگری و روحیه طرد ظلم و وضع نامطلوب همراه است.» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، صص ۲۳۰-۴۳)

انقلاب باتوجه به میزان و نوع تغییراتی که به‌ویژه در داخل کشور پدید می‌آورد، به دو نوع اجتماعی و سیاسی تفکیک می‌شود. انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در

ساختارهای اجتماعی همراه است؛ اما انقلاب اجتماعی عبارت است از «انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماع و تحول در ایدئولوژی غالب کشور.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰).

۲. انقلاب اسلامی

«انقلاب اسلامی به معنای احیا و تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه، به صورت سریع و همراه با خشونت و خونریزی در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی است.» (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۵). انقلاب اسلامی یک انقلاب سیاسی یا دگرگونی اجتماعی محض نیست؛ بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجوه و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اساسی اسلام است. انقلاب اسلامی که بر مبنای ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرد یعنی حاکمیت الله، نظام توحید و اسلام، آثار و نتایج حاکمیت الله.

«نظام توحید و اسلام را می‌توان به این شرح خلاصه کرد: ۱. مشروعیت رهبری و ولایت؛ ۲. تکیه بر تنها قدرت حقیقی جهان یعنی خداوند متعال؛ ۳. نابودی قدرت و عظمت پوشالی حکومت‌های طاغوتی؛ ۴. رویارویی با کفر و الحاد؛ ۵. استقلال و عدم وابستگی؛ ۶. ارتباط و دوستی بین دولت و ملت؛ ۷. زندگی در یک فضای سالم، مشروع و سازنده؛ ۸. حذف مظاهر شرک و فساد؛ ۹. ایجاد مظاهر اسلام و تقوا و عفت؛ ۱۰. حرکت دادن مردم به سوی فرهنگ اسلام و انسانیت.» (آقابخشی، ۱۳۶۶، صص ۱۳۹-۱۴۰)

«به طور کلی در تعریف انقلاب اسلامی ایران، می‌توان این انقلاب را یک دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه دانست که موجب پیدایش یک نظام سیاسی منطبق بر جهان‌بینی با موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت می‌شود. این انقلاب براساس آگاهی و ایمان مردم، حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم شکل گرفت.» (عمید زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۳۷۰)

۳. بیداری جهانی

«بیداری، ضد خواب است و به معنای فعال شدن هوش و آگاهی به کار می‌رود. بیداری در دو اصطلاح بیداری اسلامی و بیداری جهانی کاربرد دارد. بیداری اسلامی، به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است و به معنای دعوت مجدد به اسلام، احیای ارزش‌های اسلامی و دعوت به سوی احیای این ارزش‌ها به کار می‌رود.» (صوفی نیارکی، ۱۳۹۱، ص ۲۹). «بیداری

اسلامی، خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به زندگی و فرهنگ اسلامی، بازگشت به مبانی و اصول اسلامی، فراتر رفتن دین از یک آئین اخلاقی و ورود آن به عرصه مدیریت اجتماع و سیاست و حاکمیت دین بر تمام شئون زندگی است.» (یزدان پناه، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰)

بیداری جهانی، به معنای بیداری عموم افراد بشریت در سراسر جهان و بازگشت آن‌ها به عقل و فطرت انسانی است؛ فطرتی که با سلطه مستکبران و ظالمان و تحت تأثیر فرهنگ تاریک آنان، دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. بیداری جهانی یکی از مقدمات ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام است و باعث می‌شود عموم مردم جهان با نهضت آن حضرت همراهی کرده و علیه ظلم و استبداد قیام کنند.

۴. ظهور و قیام

در منظومه باورهای مهدویت، دو واژه «ظهور» و «قیام» مطرح است که از نظر کاربرد، نزدیک به هم هستند و بر آغاز حرکت و نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که بعد از غیبت رخ می‌دهد، اطلاق می‌شوند؛ ولی با نگرش دقیق، تفاوت‌ها و تمایزات اساسی میان آن دو به چشم می‌خورد.

«ظهور در لغت به معنای ظاهر شدن و آشکار شدن است.» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۷۰) ولی در اصطلاح به معنای ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اعلان فرارسیدن روز موعود جهانی می‌باشد. به تعبیر دیگر وقتی خداوند فرارسیدن روز موعود را اراده کرد و به ولی خود، حضرت مهدی علیه السلام، اجازه ظاهر شدن داد و حضرت با اعلان جهانی، آمدن خویش را به گوش جهانیان رساند، در این هنگام ظهور رخ داده است.

«قیام» از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و در اصطلاح، به حرکت و نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بعد از ظهور در برابر ستمگران، برای برپایی عدل در سراسر کره زمین اطلاق می‌شود. رهبر جهانی بعد از رخداد ظهور در مدت زمان معین با فراهم کردن شرایط و مقدمات با لشکریان عظیمی بعد از مراسم بیعت، از مکه خارج شده و با شروع نهضت، زمینه تثبیت و استقرار نظام جهانی را پی می‌گیرد که به این مرحله از نهضت، «قیام» گفته می‌شود.

قسمت اول: پیوند انقلاب اسلامی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ظهور به عنوان رخدادی بسیار عظیم و سرنوشت‌ساز، تاریخ بشریت را متأثر و متحول خواهد

کرد و جوامع بشری را به سوی خوشبختی و عاقبت به‌خیری هدایت می‌کند. این تحول و تعالی عظیم، به حدی تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز است که علاوه بر زندگی فردی، زندگی اجتماعی بشر را در همه ابعاد درنوردیده و تحت تأثیر خود قرار داده و برای اولین بار تجربه خوب زندگی کردن و سالم زیست کردن همراه با رفاه و آسایش را به ذائقه بشر می‌چشاند.

روشن است که گروه‌ها و افرادی که در این فرایند مقدس و سرنوشت‌ساز مشارکت می‌نمایند و با نقش‌آفرینی خود، بستر تحقق این پدیده مقدس را مهیا می‌کنند، باید دارای شاخصه‌های انحصاری و شخصیت بزرگ و صفات عالی باشند تا براساس قانون سنخیت، شایستگی این همراهی و این نقش‌آفرینی را داشته باشند. براساس داده‌های روایی که در منابع حدیثی اهل سنت و شیعه در میان نقش‌آفرینان این رخداد نقش ایران و ایرانیان، نقشی پررنگ و تأثیرگذاری بوده؛ به طوری که امیرمؤمنان (علیه السلام) شروع این حرکت و سرآغاز این تحول عظیم را از مشرق می‌داند:

مَبْدُؤُهُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۰۴)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز در این باره می‌فرماید:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَيِّدُونَ لِلْمَهْدِيِّ عِزَّهُ. (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۲،

ص ۱۳۶۸)

در این روایت رسول اسلام (صلی الله علیه و آله) به نقش پررنگ مشرق‌زمینیان که اهل ایران باشند، اشاره کرده و آن‌ها را مفتخر به لقب زمینه‌سازان ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) می‌کند. انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری، نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی بود و در سطح جهان و در ابعادی گوناگون پیام خود را طنین‌انداز ساخت. چنانچه مقام رهبری در این باره می‌فرماید:

با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و همچنین مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل در عالم به وجود آمد. تأثیرات این عصر جدید روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ملت ابرقدرت‌ها محسوس است و حتی نقشه سیاسی دنیا عوض شده است. این عصر و این دوران جدید را باید دوران امام خمینی (رحمته الله علیه) نامید.

از دیدگاه امام خمینی (رحمته الله علیه)، پدیده ظهور، یک رخداد فوق‌العاده و بی‌نظیر تاریخ بشریت به

شمار می‌رود؛ ولی هرگز یک پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست؛ بلکه رخداد ظهور برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه‌جانبه دین اسلام و برای سامان دادن به اوضاع زندگی بشری است. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، مقدمات و بسترهای خاص خود را می‌طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است. اگر نهضت و انقلابی از نظر مکتب و ایدئولوژی دارای حد اعلای توانایی باشد، ولی از نظر نیروی اجرایی و پذیرش‌های اجتماعی کامل نباشد، طبیعی است که نهضتی موقت است و به نتیجه عمیق نمی‌رسد. (صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۴)

تحولات جاری در عرصه بین‌الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج وسیع اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در جهان به‌ویژه دنیای غرب، مؤید این واقعیت است که امام خمینی رحمته‌الله علیه با هدایت و رهبری بزرگ‌ترین انقلاب مردمی، در واقع آغازگر کوششی در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

امام خمینی رحمته‌الله علیه در پیامی، ارتباط بنیادین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین بیان می‌کند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۲۷)

امام خمینی رحمته‌الله علیه، هموارکردن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان را وظیفه خویش دانسته و در پیامی می‌نویسد:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هموار می‌کنیم. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۴۵)

طرح جهانی انقلاب اسلامی و حمایت از تمام مستضعفان جهان، نشانه‌ای از حرکت در راستای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امیدواریم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی شود و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۳۱)

شاید مهم‌ترین بخش از نظام معنایی دینی و مهدوی که در انقلاب اسلامی مطرح شد، لزوم تشکیل حکومت دینی، چارچوب‌های آن و ولایت فقیه است. این بخش از نظام معنایی که در همان آغاز انقلاب، وسایل انتقال خود را از راه‌هایی چون رفتارندم جمهوری اسلامی و غیره تولید کرد، به دلیل نقش محوری، بالندگی و اهمیتی که در نظام معنایی داشت، دیگر اجزا را نیز بر محور خود سامان داد و معناهای موردنیاز را آفرید. طرح مسئله زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور در چارچوب حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه و نیابت عام از امام غائب که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد، قابل درک است. حکومتی که اصالت و مشروعیت خود را از فرهنگ انتظار و امام غائب می‌گیرد و به نوعی طفیلی آن حکومت است، باید شکل آرمانی خود را در افق فرهنگ انتظار و جامعه موعود آخرالزمانی ببیند، ناگزیر به آن متعهد باشد و برای تحقق آن جامعه آرمانی بکوشد. (پرهیزکار، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۰)

قسمت دوم: ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در بیداری مردم منطقه و جهان

از حدود یک قرن پیش، سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و... منادی بازگشت به اسلام و استقلال از غرب و شرق بودند و جنبش‌هایی برای تحقق این هدف شکل گرفت؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای جهان اسلام دارای پیامی بود و آن پیام این بود که بازگشت به اسلام و اتکا به مفاهیم ناب آن، می‌تواند واقعیت پیدا کند. اسلام به عنوان یک دین غنی می‌تواند پاسخگوی تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها باشد. تأثیر عمیق انقلاب اسلامی، باعث شکل‌گیری بیداری اسلامی در جهان اسلام شد و ارزش‌هایی همچون ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و... را به ارزش‌های مسلط در جوامع اسلامی تبدیل کرد. ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در بیداری مردم سایر کشورها را می‌توان در چند مورد برشمرد:

۱. هوشیاری سیاسی و مبارزه با استبداد و استکبار

یکی از شاخصه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، ضدیت و مبارزه با رژیم‌های دیکتاتور و مستبد و ضداسلامی است؛ چرا که اساساً شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سرزمینی بود که یک حاکم مستبد و دیکتاتور بر آن جا حکومت می‌کرد و لذا اشاعه این انقلاب قدرت نرم انقلاب اسلامی به انقلاب‌های عربی، دلیل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این انقلاب‌هاست. مردم تونس، مصر، لیبی و یمن حاکمانی را سرنگون کردند که ماهیت آن‌ها کاملاً دیکتاتوری و

ضداسلامی بود و همگی دست‌نشانده غرب و آمریکا بودند.

«یکی از برجسته‌ترین عملکردهای انقلاب اسلامی، مبارزه با مظهر استکبار، یعنی صهیونیسم است. صهیونیسم، از جنبه توسعه‌طلبی و برتری‌طلبی نژادی، مورد نفرت و مخالفت کشورهای منطقه قرار گرفته بود؛ لیکن پیش از انقلاب اسلامی ایران، بیشتر کشورهای عرب برمبنای ایدئولوژی پان عربیستی، به مقابله با صهیونیسم پرداخته بودند و مسئله فلسطین را یک مسئله ارضی و سرزمینی قلمداد می‌کردند. انقلاب اسلامی توانست نشان دهد که مسئله فلسطین، مسئله‌ای مربوط به کل جهان اسلام است که بایستی همه ملت‌ها با اتکای به آرمان‌های اسلامی و انقلابی خود و در جهت مقابله با ریشه فساد تلاش کنند؛ از این رو امام رحمه‌الله علیه، مسئله را از بُعد ملی و ناسیونالیستی عرب خارج کرد و به آن چهره‌ای اسلامی بخشید. در این راستا ایشان روز قدس را اعلام کرد؛ روزی که در آن مسلمانان علیه ایادی امپریالیسم در منطقه، یعنی صهیونیسم به مخالفت برمی‌خیزند. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی، اسلام را به عنوان دینی جامع و متناسب با شرایط روز و دارای ایدئولوژی سیاسی عرضه کرد و به صدور معنویت به جهانیان، چهره واقعی اسلام ناب محمدی را ارائه کرد. به علاوه با ارائه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، توانست هویت سیاسی و دینی جدیدی براساس ارزش‌های دینی به مسلمانان ببخشد و با زنده‌نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کند.» (درگاهی، ۱۳۸۱، ص ۸۷)

۲. حجاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به حجاب اسلامی در اقصی نقاط جهان افزایش یافت. در کشورهای لبنان و الجزایر، چادر سمبل به عنوان حجاب ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین زنان فلسطینی گرایش بیشتری به حجاب پیدا کردند و حجاب حتی تا دل اروپا هم نفوذ کرد؛ تاجایی که مخالفت دولت فرانسه و گرایش به حجاب در مدارس فرانسه، منجر به جنگ روسری و منع حجاب در مدارس و اماکن دولتی فرانسه شد. (فضل الله، ۱۳۸۲، ص ۱۲)

دنیای اسلام، از الگوی حجاب اسلامی زنان پس از انقلاب ایران تأثیر بیشتری پذیرفته است؛ از جمله لیز مارکوس، از فعالان جنبش‌های زنان در اندونزی، بی‌پرده اعتراف می‌کند که به دلیل اثر مستقیم پخش تصاویر زنان ایرانی در رسانه‌های گروهی کشورش، استقبال از

حجاب اسلامی در اندونزی بیشتر شده است؛ به گونه‌ای که به تدریج تقلید از حجاب بانوان ایرانی در آن کشور، به یک مد تبدیل شده و اینک در میان دانشجویان دانشگاه‌ها نیز هواداران بسیاری دارد. همچنین زنان انقلاب اسلامی به عنوان الگویی برای زنان ترک، آنان را به شعاردادن در خیابان‌ها و رعایت پوشش اسلامی واداشته است. پوشش زنان انقلابی و مسلمان ایران در برخی کشورهای خلیج فارس بر لباس، به ویژه روسری، به شکل عمیقی تأثیر گذاشته است. (شیرودی، ۱۳۸۸، ص. ۸۵)

۳. تحکیم پیوند دین و سیاست

انقلاب اسلامی، نظریهٔ تئوری پردازان لیبرال را باطل ساخت؛ آنان معتقد بودند که با دین نمی‌توان به ادارهٔ حکومت پرداخت و دین به تدریج اهمیت سیاسی و اجتماعی خود را از دست می‌دهد. انقلاب اسلامی به جهانیان آموخت اجتماعی که به دین روی می‌آورند، لزوماً همگام با مدرن شدن سکولار نمی‌شوند؛ به همین دلیل، هم در کشورهای پیشرفته و هم در جهان در حال توسعه، تعداد بی‌شماری از مردم دریافتند که می‌توانند با عضویت در گروه‌ها یا جنبش‌های دینی به صورت مؤثرتری هدف‌های مادی و معنوی خود را دنبال کنند. (وایت لیتل و اسمیت، ۱۳۸۱، ص. ۶۰) در دنیای معاصر، جریان‌های اسلامی در میان مهم‌ترین گروه‌های سیاسی جهان قرار دارند. این جریان‌های مذهبی، بر این باورند که میان سیاست و مذهب، ارتباط تنگاتنگی برقرار است.

امام خمینی رحمته‌الله علیه با طرد نگاه حداقلی به دین، قلمرو آن را گسترده و جامع معرفی کرد؛ یعنی دینی یکپارچه با سیاستی الهی که سکولاریزم در آن جایگاهی ندارد. حوزهٔ قدسی از حوزهٔ عرفی جدایی‌ناپذیر است و معنویت‌گرایی، تهذیب نفس و سلوک عرفانی، مغایر با حضور در متن سیاست و اجتماع نیست.

امام خمینی رحمته‌الله علیه از همان روزهای نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظریهٔ جهان‌گرایی انقلاب اسلامی را به عنوان عالی‌ترین و گسترده‌ترین مظهر پیوند دین و دولت مطرح ساخت. وی براساس آموزه‌های دینی معتقد بود که سرانجام با ارادهٔ مستضعفان، رهبری جهان را به دست خواهیم آورد و حتی نوید می‌داد که وعدهٔ خداوند به زودی تحقق خواهد یافت و محرومان، جایگزین ثروتمندان خواهند شد. (کیلی و مارفلیت، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۳)

۴. وحدت اسلامی

وحدت اسلامی از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که هر مسلمان آزاده از صدر اسلام تاکنون آن را فریاد زده است. پیامبر و دیگر پیشوایان الهی، هیچ‌گاه از مسئله وحدت غافل نبودند و آن را رمز موفقیت و سعادت جامعه اسلامی می‌دانستند. براساس این آموزه‌های سعادت بخش، گفتمان انقلاب اسلامی به مسئله وحدت در جهان اسلام، اهمیت زیادی می‌دهد. بعد از پیروزی انقلاب ایران، امام خمینی رحمه الله وحدت اسلامی را به عنوان شعاری راهبردی برگرفته از عمق باورهای قانون اساسی مطرح ساخت. به علاوه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پیروان مذاهب اسلامی از آزادی کاملی در پایبندی به اعتقادات خویش برخوردار شدند؛ تا آن جا که پیروان دیگر مذاهب، حق دارند به دادگاه‌هایی مراجعه کنند که براساس دیدگاه آنان حکم می‌کنند.

۵. احیای فرهنگ جهاد و شهادت طلبی

«پس از انقلاب اسلامی، شهادت مفهوم واقعی خودش را در میان ملل مسلمان بازیافت. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار جان را به عنوان اصول اساسی پذیرفته‌اند. این اصول که سمبل حرکت‌های انقلابی شیعیان و شعار انقلاب اسلامی بود، اکنون به عنوان اصل اساسی مبارزات این جنبش‌ها پذیرفته شده و به صورت تکلیف و فریضه اسلامی در آمده است. سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در دیدار با امام خمینی رحمه الله در خطاب به ایشان گفت که با ظهور انقلاب شما، ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش راه جهاد و مبارزه است.» (جعفریان، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۸)

۶. مردم‌گرایی

«مردمی بودن به عنوان یکی از ویژگی‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی راه یافته است. این جنبش‌ها و گروه‌ها دریافته‌اند که اسلام، توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. براین اساس، آن‌ها با اتکا به مردم به جای اتکا به قشر روشن فکر، پایگاه مردمی خویش را گسترش داده‌اند.» (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۶)

«انقلاب اسلامی، اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گرانبها به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام ارزانی داشت. گرایش به اندیشه کار مردمی، جنبش‌های اسلامی را به سوی وحدت طلبی مذهبی و قومی سوق داده است. این امر،

جنبش‌های اسلامی - سیاسی را از اختلاف و تفرقه دور کرده و آن‌ها را از تشکیلات قوی‌تر، امکانات وسیع‌تر، حمایت گسترده‌تر و پایداری بیشتر بهره‌مند ساخته است.» (دهکردی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹)

۷. عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی

«انقلاب اسلامی درصدد برقراری عدالت در سطح بین‌المللی است. تحقق این عدالت، تنها از طریق استقرار نظام جهانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر است. به علاوه مطابق ایدئولوژی اسلامی، گستره عدالت‌گرایی و دادگستری به قلمرو ایران و حتی جهان اسلام محدود و محصور نمی‌گردد؛ بلکه سراسر جهان را در بر می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، «استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی» است. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی، هر چند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومان را سرلوحه برنامه‌های خود قرار ندهد، غیر اسلامی و منافقانه است. تعقیب سیاست‌های عدالت‌جویانه در محیط منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا که کشورهای حاضر در آن، همواره تحت سیاست‌های سلطه‌جویانه و ناعادلانه قدرت‌های بزرگ قرار داشته‌اند، زمینه‌های لازم را برای گسترش جذابیت و تعمیق نفوذ منطقه‌ای ایران فراهم می‌نماید و در پرتو آن، شاخص‌های قدرت نرم ایران همچون اعتماد و وفاداری بازتولید می‌شوند.» (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۶)

۸. دفاع از آرمان فلسطین

انقلاب اسلامی ایران، زمانی به پیروزی رسید که پیمان ننگین کمپ دیوید با تلاش آمریکا بین رژیم اشغالگر قدس و سران خائن فلسطین به امضا رسید و استعمارگران غربی تصور می‌کردند که به زودی سایر کشورهای اسلامی را نیز تحت نفوذ خویش در می‌آورند و آنان را نیز در اختیار می‌گیرند؛ اما وقوع انقلاب اسلامی، همه معادلات آنان را بر هم زد و با هدایت روشنگری و موضع‌گیری قاطعانه امام، شیوه مبارزه با اسرائیل، شکل دیگری به خود گرفت. به فرمان امام خمینی علیه السلام، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، «روز جهانی قدس» اعلام شد و سفارتخانه اسرائیل در تهران تعطیل و به سفارت فلسطین تبدیل گردید. همچنین بیت المقدس به عنوان مکان مقدس مسلمانان و سایر ادیان آسمانی مورد توجه جهان اسلام

قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران، به مبارزان و مردم فلسطین اعتماد به نفس بخشید و پشتیبانی و حمایت از انتفاضه و آرمان مقدس فلسطین را سرلوحه برنامه‌های خویش قرار داد. همچنین جهانیان را به یاری و کمک‌های سیاسی مادی و معنوی مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین دعوت کرد و به رهبران مبارز فلسطینی در رویارویی با اسرائیل اشغالگر، دلگرمی و روحیه تازه‌ای بخشید.

۹. گسترش فرهنگ انتظار

اندیشه مهدی‌باوری و فرهنگ انتظار در طول تاریخ خود، دوره‌های پرفراز و نشیبی را پشت سر نهاده است که هر یک از آن‌ها، بخشی از روند تکامل تاریخی این فرهنگ را تشکیل می‌دهند. در هر دوره‌ای، بسته به شرایط و موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان اسلام، بُعد یا ابعادی از فرهنگ انتظار، رشد و تعالی یافته است.

تا پیش از انقلاب اسلامی، برداشت منفعلانه و انزواگرایانه از مفهوم انتظار، یکی از عوامل رکود و انفعال و انزواگرایی سیاسی شیعیان بود. انتظار منفی و تعطیلی حکومت مشروع، مدتی طولانی بر اندیشه اندیشور شیعه چیره گشته بود. به نظر می‌رسد که تجربه تاریخی این نگاه، شیعه را به این ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد؛ حکومت امام معصومی و حکومت امیر ستمگر که نمی‌تواند مشروع باشد.

نگاه سطحی و عاطفی به آموزه مهدویت، رویکرد غالب در این دوران است. رهیافت نقل‌گرایانه محض و احساسی از آموزه مهدویت، سبب می‌شود که با نقلیات و روایات تاریخی «متهافت» و «متناقض» از مهدویت روبه‌رو شویم که اساساً تحلیل عقلانی درباره آن دیده نمی‌شود. این خود عاملی می‌شود تا به عمق اندیشه مهدوی نظر نداشته باشیم. عوامل تاریخی خاص، از جمله مہجوریت و مغلوبیت سیاسی - اجتماعی در قرون متمادی، عاملی شد تا شیعیان رویکردی عاطفی به آموزه مهدویت داشته باشند؛ در نتیجه از کانون اندیشه مهدویت کمترین بهره‌برداری معرفتی - معنویتی انجام شد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های مهدوی سبب شد چارچوب‌های نظری و سنتی و همچنین رهیافت توصیفی و گزارش‌گونه از آموزه مهدویت دگرگون شود تا این آموزه، بیش از پیش در متن زندگی مردم وارد شود. آموزه مهدویت و فرهنگ سیاسی برآمده از آن، نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده است. به یقین، تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت، از

یک مسئله فرعی به عنصری سیاسی - حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می آید. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ هویتی که آدمی را به هدفی مقدس در جهت پیگیری آرمان‌های بلندش فرا می خواند. آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می سازد، بلکه رفتارها، کنش‌ها و هنجارهای جدیدی را پدید می آورد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال‌ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در یک کلمه، در جازدن به امید برآمدن دستی از غیب مرادف شمرده می شد، مفهومی دیگر یافت. این بار انتظار نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. انقلاب اسلامی تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان مشروع را به دنبال داشته است. امام خمینی علیه السلام، حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی مدرن می داند و انتظار ظهور حجت را استمرار اقتدار اسلام تبیین می کند. او می گوید:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱۸، ص ۳۷۴)

انقلاب اسلامی باعث برانگیخته شدن شیعیانی شد که در جایگاه بخش خاموش جوامع مسلمان تا آن زمان، هیچ گونه الگوپذیری از آموزه مهدویت در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشورهای خود نیاموخته بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، روح درهم شکسته و خسته شیعیان در مناطق مختلف جهان زنده شد و روحیه امید در کالبد آنان دمیده شد. پس از انقلاب، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان تقویت شد و آنان جرئت و شجاعت خود را بازیافتند. پیروزی انقلاب اسلامی به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی موعود به انتظار نشست؛ بلکه باید به انتظار ایستاد؛ به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار و آموزه مهدویت بوده و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. (حافظ نیا، ۱۳۸۸، ص ۹۸)

آموزه مهدویت از دیدگاه بنیان گذار انقلاب، فراتر از یک مسئله کلامی، اصلی است که در موضع گیری و اقدام یک مسلمان نقش اساسی ایفا می کند. غایت حاکمیت امامان معصوم،

عدالت در جامعه بوده است؛ پس اگر انتظار به تحول خواهی و انقلاب زایی تفسیر شود، هر حرکت و تحوّل مطلوب نیست؛ بلکه تحول و تحرکی مطلوب است که زمینه ساز ظهور حجت الهی باشد. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرمودند:

ما تکلیف داریم. آقا این طور نیست حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان تسبیح را دست بگیریم و بگوئیم عجل علی فرجه. عجل با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می کند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۲۶۹)

۱۰. صدور انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی

یکی از مهم ترین شعارهای انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه که نشانگر ماهیت جهانی نظام جمهوری اسلامی است، بحث صدور انقلاب اسلامی است. صدور انقلاب و جهانی شدن آن، ریشه در ماهیت انقلاب دارد. اولین و مهم ترین ویژگی انقلاب که موجب صدور آن گردیده، اسلامی بودن انقلاب است. اسلام اختصاص به ایران ندارد، محدود به قلمرو جغرافیایی خاصی نیست و مخاطبین آن مسلمانان و مستضعفین سراسر جهان هستند؛ از این رو است که ارزش های این انقلاب می تواند سایر جوامع و کشورها، مخصوصاً مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد.

هدف اساسی از طرح اصلی صدور انقلاب، این بوده که ملت های محروم و مستضعف، مخصوصاً جهان اسلام و کشورهای اسلامی، از آموزه های الهی انقلاب اسلامی بهره جسته و به سلطه دیکتاتورهای امپریالیسم و استکبار پایان دهند؛ لذا نظام اسلامی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و پایه صدور انقلاب خود را بر این اصل استوار ساخت که با الگوسازی و آموزش و تبلیغ بدون دخالت در امور داخلی سایر کشورها و جوامع، زمینه خودجوش خیزش و حرکت ملت های مسلمان را فراهم آورد.

دشمنان انقلاب ایران تلاش بسیار کرده اند تا چهره ای منفی از مفهوم صدور انقلاب نشان داده و آن را نوعی دخالت نظامی ایران و حمایت تسلیحاتی از نهضت های اسلامی و آزادی بخش جلوه دهند.

امام خمینی رحمته الله علیه در مقام تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب اسلامی تصریح می کنند: ما که می گوئیم اسلام را می خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره

بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک هم چون چیزی را نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم؛ اما آن چیزی که ما می‌توانیم این است که به وسیلهٔ دستگاه‌هایی که داریم، یعنی همین صداوسیما، مطبوعات و گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست، معرفی می‌کنیم. اگر آن طوری که هست، معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱۸، ص ۲۴۳)

ایشان در خصوص صدور انقلاب می‌فرمایند:

ما می‌خواهیم این انقلابمان، انقلاب فرهنگی‌مان و انقلاب اسلامی‌مان را به همهٔ ممالک اسلامی صادر کنیم و این انقلاب هر جا صادر بشود، مشکل حل می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۵۷)

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) دربارهٔ معنای کلام امام علیه السلام که فرموده بودند: «ما انقلابمان را به همهٔ عالم صادر خواهیم کرد»، چنین بیان می‌دارند:

چقدر تبلیغات جهانی این جملهٔ امام عزیز و فقیه‌مان را کوبیدند که فرموده بودند ما انقلابمان را به همهٔ عالم صادر خواهیم کرد. صدور انقلاب، به معنای این نبود که ما برمی‌خیزیم و با قوت و قدرت به این طرف و آن طرف می‌رویم و جنگ به راه می‌اندازیم و مردم را به شورش و انقلاب وادار می‌کنیم. مقصود امام، به هیچ وجه این نبود. این کار جزو سیاست و اصول ما نیست؛ بلکه مردود است. آن‌ها این جمله را این گونه معنا کردند و آن را کوبیدند.

ایشان صدور انقلاب را به معنای صدور فرهنگ اسلام تعبیر نموده و فرمودند:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سردمداران تبلیغات جهانی روی اشاعهٔ فرهنگ انقلابی اسلام جنجال راه انداختند و آن را به عنوان صدور انقلاب با معنای غلطی که از صدور انقلاب می‌کردند، مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند. همهٔ رسانه‌ها در سرتاسر عالم، روی این نکته و کلمه تکیه می‌کنند که جمهوری اسلامی در صدد صدور انقلاب است! خبثات آن‌ها در این جاست که صدور انقلاب را به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد درگیری در گوشه و کنار عالم و از این قبیل کارها معرفی می‌کنند! که این هم مثل بقیهٔ خبثات‌های تبلیغاتی دنیای غرب، یک ترفند رذیلانه است. صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام، صدور صفا، خلوص، تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این، راه انبیاست و ما باید این راه را ادامه دهیم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ج ۱، صص ۲۴۴-۲۴۷)

ایشان همچنین دربارهٔ معنای صحیح صدور انقلاب می‌فرمایند:

چرا ما باید از صادر کردن توحید، اخلاق انبیا، روح فداکاری، اخلاص و تزکیهٔ اخلاقی به

کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟ چرا باید شرم کنیم از این که غیرت و حمیت صحیح و ایستادگی در مقابل قدرت‌های باطل را به صورت درس علمی به ملت‌های دیگر ارائه و تعلیم بدهیم؟ ملت‌ها باور نمی‌کنند که بشود با عوامل مزدوران قدرت‌های استکباری در افتاد. ما در افتادیم و پیروز هم شدیم. چرا این عمل و تجربه خودمان را در اختیار افکار عمومی ملت‌ها نگذاریم؟ صدور انقلاب به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، ملت ایران و آن شخصیت عظیم و عالی‌قدری که دنیا را در مقابل عظمت خودش کوچک و خاضع کرد، نشان دادند که همه قدرت‌های عالم برای مقابله با چنین عزم و اراده معظم و پودلانی که اسلامی است و متعلق به عموم ملت است، کوچک هستند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ج ۱، صص. ۲۴۴-۲۴۷)

نتیجه‌گیری

ظهور، رخدادی بسیار عظیم و سرنوشت‌ساز است که تاریخ بشریت را متأثر و متحول خواهد کرد و زندگی اجتماعی بشر را در همه ابعاد، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این عرصه، افراد و گروه‌هایی که با نقش‌آفرینی خود بستر تحقق این پدیده مقدس را مهیا می‌کنند، باید دارای شاخصه‌های انحصاری و برجسته باشند.

در پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدیم که انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری، نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی بود و در سطح جهان و در ابعادی گوناگون، پیام خود را طنین‌انداز ساخت و تأثیرات این نهضت بر بیداری جهانی و زمینه‌سازی ظهور، محسوس است.

این انقلاب با رهبری امام خمینی (ره)، موجب پیدایش نظامی سیاسی منطبق بر جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی شد. پایه‌های اساسی این انقلاب، آگاهی و ایمان مردم به رهبری، پیشگامان متقیان و نخبگان بود.

انقلابی که برگرفته از یک اندیشه جامع بوده و به قوم یا محدوده جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شود و از این رو ارزش‌های این انقلاب می‌تواند سایر جوامع و کشورها مخصوصاً مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد.

۴۲

این انقلاب با رد اهداف مادی غرب و ارائه اهداف متعالی معنوی و انتقاد به الگوهای غربی، هدف این جنبش‌ها را از تشکیل جامعه اسلامی، به سمت درخواست حکومت اسلامی در سرتاسر جهان سوق داد.

یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی که نشانگر ماهیت جهانی نظام جمهوری اسلامی

می‌باشد، مسئله صدور انقلاب اسلامی است. هدف اساسی از طرح صدور انقلاب این بود که ملت‌های محروم و مستضعف، مخصوصاً جهان اسلام و کشورهای اسلامی، از آموزه‌های الهی انقلاب اسلامی بهره‌جسته و به سلطه دیکتاتورهای امپریالیسم و استکبار پایان دهند؛ بنابراین نظام اسلامی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و پایه صدور انقلاب خود را بر این اصل استوار ساخت که با الگوسازی و آموزش و تبلیغ بدون دخالت در امور داخلی سایر کشورها و جوامع، زمینه خودجوش خیزش و حرکت ملت‌های مسلمان را فراهم آورد. از این رو بسیاری از ملت‌های مسلمان با الگوگیری از این انقلاب، متناسب با شرایط جوامع خود نسبت به بهره‌گیری از مؤلفه‌های به‌کار گرفته شده در آن پرداختند.

منابع

- _ ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). *سنن ابن ماجه*. محمدفؤاد عبدالباقي. بیروت: دارالجيل.
- _ ابوالفتحی، محمد؛ پیرمحمدی، سعید. (۱۳۹۳). «تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه». *سیاست دفاعی*. شماره ۸۶.
- _ اخوان کاظمی، مسعود؛ شکرانه ارزنقی، امید. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه». *پژوهش ملی*. شماره ۶۱.
- _ اکبری، مهناز. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی». *حقوق ملی*. شماره ۸.
- _ انصاری، غلام مرتضی. (۱۳۹۷). *نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری ملت‌ها و عکس‌العمل استکبار جهانی در مقابله با آن*. همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- _ آقابخشی، علی. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر تندر.
- _ بریان، وایت؛ لیتل، ریچارد؛ اسمیت، میشل. (۱۳۸۱). *دین در جهان*. ترجمه: منیژه جلالی. روزنامه همشهری.
- _ بیژن، عارف. (۱۳۹۵). «نقش اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی». *سیاست*. سال سوم، شماره ۱۲.
- _ پرهیزکار، غلامرضا. (۱۳۹۳). *انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.

- جامعه مدرسین قم. (۱۴۳۳ق). *ویژه نامه تبلیغ (بیداری اسلامی)*. شماره ۱۴.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۸). *مقالات تاریخی*. قم: الهادی.
- جمالی، جواد؛ شفیع پور، ابراهیم. (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام؛ چالش ها و فرصت ها». *مطالعات انقلاب اسلامی*. سال دهم، شماره ۳۳.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*. قم: دفتر نشر معارف.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ احدی، سیدعباس. (۱۳۸۸). «تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان». *شیعه شناسی*. شماره ۲۵.
- حسینی خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۸). *حدیث ولایت* «مجموعه بیانات و پیام های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)». تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- حشمت زاده، محمدباقر. (۱۳۷۸). *چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- درگاهی، علی عمران. (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان*. تهران: نیروی مقاومت بسیج.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). *لغت نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهکردی، حسین. (۱۳۸۰). «انتفاضه فلسطین مولود اصول گرایی اسلامی معاصر». *علوم سیاسی*. شماره ۱۴.
- زنگانه، عزیزه. (۱۳۹۷). *انقلاب اسلامی ایران صدور افکار انقلابی و بیداری اسلامی جهانی*. همایش بین المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- زنگانه، عزیزه. (۱۳۹۷). *نقش انقلاب اسلامی ایران در ظهور بیداری اسلامی*. همایش بین المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- سیمبر، رضا و همکاران. (۱۳۹۳). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش های مردمی در جهان عرب». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. دوره ۴، شماره ۱۱.
- شیروودی، مرتضی. (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی تأثیرگذاری و نمونه ها». *مطالعات انقلاب اسلامی*. سال پنجم، شماره ۱۶.

- _ صابری، محمد مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی نقش الگویی انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی». *گفتمان اندیشه*. شماره ۱.
- _ صدر، محمد باقر. (۱۳۸۴). *انقلاب مهدی و پندارها*. ترجمه: سیداحمد علم‌الهدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _ صوفی نیارکی، تقی. (۱۳۹۱). *بیداری اسلامی هویت تمدنی و چالش‌های پیش‌رو*. تهران: انتشارات نهضت نرم‌افزاری.
- _ عرفان، امیر محسن. (۱۳۸۹). «نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت». *انتظار موعود*. شماره ۳۲.
- _ عمید زنجانی، عباس‌علی. (۱۳۷۰). *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*. تهران: نشر کتاب سیاسی.
- _ فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴ق). *العین*. قم: نشر اسوه.
- _ فضل‌الله، سید محمد حسین. (۱۳۸۲). «منع استفاده از حجاب در مدارس فرانسه». ترجمه: محمد جمعه امینی. *بگاہ حوزه*. شماره ۱۲.
- _ فهیمی، علی‌مدد. (۱۳۹۷). *نقش انقلاب اسلامی ایران در گسترش فرهنگ انتظار*. همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- _ کیلی، ری؛ مارفیل، فیل. (۱۳۸۰). *جهانی‌شدن و جهان سوم*. ترجمه: حسن نورائی بیدخت و محمد علی شیخ‌علیان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- _ مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا.
- _ موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله علیه.
- _ موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۰). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله علیه.
- _ نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). *الغیبه*. تهران: نشر صدوق.
- _ الهی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل نقش ایرانیان در تحولات فرجام جامعه بشریت؛ با تأکید بر مسأله ظهور و قیام. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۷(۱)، ۷۵-۹۵.
- _ یزدان‌پناه، مهدی. (۱۳۹۰). *مجموعه مقالات با موضوع بیداری اسلامی*. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی وزارت علوم.